

جنبش پیشرو دانشجویی در استان کبک

آشنایی با تجربیات جنبش دانشجویی سایر کشورها

به مناسبت روز دانشجو

دریا.ک

جنبش عظیم دانشجویی سال ۲۰۱۲ که به جنبش "بهار درخت افرا" (Printemps Érablé) مشهور است، یکی از مهم‌ترین حرکت‌های اجتماعی تاریخ معاصر کبک می‌باشد. این جنبش به اشکال گوناگون اثرگذاری خود را در پیوند با دیگر جنبش‌های کارگری، محیط زیستی و برابری طلبانه زنان به نمایش گذاشته است و تا کنون در رزمندگی و پایداری برای تحقق اهداف خود بر علیه سیاست‌های ریاضت اقتصادی که عرصه را بر دانشجویان تنگ و تنگ تر کرده ادامه دارد.

دولت کبک در هماهنگی با دولت فدرال کانادا، کوشش می‌ورزد که دستاوردهای سیستم خدمات اجتماعی که ماحصل یک فرآیند طولانی مبارزات تاریخی، شامل خدمات رایگان بهداشت، آموزش و پرورش و حقوق مدنی جامعه است را تحدید و تضعیف کرده و شرایط را برای نابودی این دستاوردها و انتقال آن به بخش خصوصی و بازار آزاد فراهم آورد. بر این مبنا بود که دولت شهریه دانشجویان را به شکل لجام گسیخته‌ای بالا برد و دانشجویان در تقابل با سیاست محکم کردن کمربند اقتصادی، دست بکار یک مبارزه مدنی دامنه دار شدند، طی مدت ۶ ماه این جنبش مردمی، به موجب شناخت درست دانشجویان از یک جامعه عدالت جویانه، عاری از خشونت و همگام با گسترش حقوق اجتماعی که حاصل ۷۰ سال مبارزه کارگران و زحمتکشان بود، به دست آمده است.

لازم به یادآوریست که آموزش رایگان از اساسی‌ترین خواست‌های جنبش‌های مردمی در ۱۵۰ سال گذشته بوده است و در مانیفست حزب کمونیست سال ۱۸۴۸، تحصیل مجانی دانش آموزان، یکی از خواست‌های ده گانه برای یک زندگی انسانی بود. بعد از جنگ جهانی اول، تمام دولت‌های سوسیالیستی، یا دولت‌هایی که با کمک سندیکاهای قوی روی کار آمدند، تحصیلات رایگان را یکی از دستاوردها و برنامه‌های اصلی خود قرار دادند.

آموزش و پرورش، وسیله گسترش دانش‌های عملی و پیشرفته علم و تکنیک می‌باشند. ولی مهم‌تر اینکه وسیله گسترش آگاهی اجتماعی نیز می‌تواند باشد. آگاهی برای شناخت، انتقاد، شکوفایی فردی و جمعی فرایند آن بوده و برای همین است که طبقات حاکم و سیاست‌های بازاری شدن اقتصاد، بهانه‌ای را به دولت‌ها می‌دهد که هزینه تحصیلات عالی را بالا برده و به این ترتیب، دسترسی طبقات تهیدست دانشجو را به دانش، آگاهی اجتماعی و فراگیری فنون محدود و محدودتر می‌کند.

در کبک ۲۵ سال است که دولت‌های "حزب لیبرال" و "حزب کبکی"، همین روند را در دستور کار خود قرار داده و با هر فشاری، کوشش می‌ورزند که شهریه‌های دانشجویی را بالا ببرند. ولی جنبش دانشجویی منسجم و کارآمد در کبک، کار دولت‌ها را با مشکل مواجه کرده است.

اعتصاب دانشجویان در ۲۰۱۲ هدفش جلوگیری از همین روند بود. دولت لیبرال در نظر داشت تا ظرف مدت ۳ سال، شهریه دانشگاه‌ها را ۱۶۲۵ دلار بالا ببرد. این رقم برابر بیش از ۴۰ درصد افزایش در شهریه دانشجویان بود. تبلیغات لیبرالیستی برای افزایش شهریه نیز از چند سال قبل این روند را دنبال کرده بود. این در شرایطی بود که چندین بار، حرکت‌های تدافعی و اعتراض‌های دانشجویان بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ نتوانسته بود کاملاً جلوی هجوم دولت لیبرال در افزایش شهریه را بگیرد. آنها کم کم شهریه‌ها را بالا برده بودند. جنبش دانشجویی در فرایند این عملکرد دولت به فکر تدارک یک حرکت منسجم و قوی افتاد که راهی برای مانور دولت باقی نگذارد. پس از سال ۲۰۱۱ جنبش دانشجویی راهی جز کارزارهای عملی و اعتصاب‌های عمومی و گسترده را نتوانست هدف خود قرار دهد.

اگر کمی به عقب برگردیم جنبش دانشجویی کبک به دنبال "انقلاب آرام اجتماعی" (révolution tranquille) سالهای ۶۰ شکل گرفت. انقلاب آرام، بعد از جنگ جهانی دوم، باعث شد تا جنبش‌های کارگری و اجتماعی گسترش یابند. اوایل دهه ۶۰ بود که دولت‌ها آرام آرام مجبور شدند که رفرم‌های گسترده‌ای را بر اساس جو خفقان دهه‌های پیشین پذیرا باشند، رفته رفته مردم و نهادهای، از زیر فشار کلیسای کاتولیک در آمدند، شکلی از اقتصاد کینزی (مالیات برداری عادلانه و دخالت دولت در اقتصاد برای ایجاد کار و تلاش) جا افتاد. خدمات اجتماعی بیشتر و بهتری رایگان شدند، شرکت برق کبک "هیدرو کبک" (Hydro Québec) دولتی شد تا برق به بهای ارزان در اختیار مصرف کننده قرار بگیرد و در نتیجه درآمد دولت افزایش یافت و دست دولت برای پرداخت بودجه‌های خدمات اجتماعی بازتر شد، مدارس دولتی رایگان، بهداشت و درمان رایگان، ایجاد مدارس عالی و دانشگاه، برای باز کردن آموزش عالی به روی طبقات کم درآمد، نقش مهمی ایفا کرد. این رفرمها در آن شرایط تاریخی همانند تغییراتی بود که در بسیاری کشورهای سرمایه داری متروپل انجام میشد. در نتیجه این رفرمها، آگاهی به حقوق اکثریت زحمتکش، که فرانسوی زبان بودند، هم بیشتر شد. حس غرور ملی و احترام به هویت خود از طرف فرانسوی زبان‌ها که تاریخاً تحقیر شده بودند، بالا گرفت. در اواسط سال‌های ۷۰، انتخابات "حزب کبکی" (Parti Québécois) را به قدرت رساند. در این زمان دو گرایش در جنبش دانشجویی شکل گرفت:

۱- از یک سو، سازمان‌های دانشجویی که شیوه همفکری و تبادل نظر با دولت را پیشه خود ساختند. اینها خواست‌های میانه‌رو و رفرمیستی را سر لوحه خود قرار داده و اهل بسیج و مبارزه نبودند.

۲- از سوی دیگر، سازمان‌های دانشجویی که ادامه جنبش‌های مترقی دهه ۶۰ میلادی بودند؛ کاملاً مبارز، خواستار تحصیلات و آموزشی دمکراتیک و رایگان برای همه.

در رسیدن به این هدف، بخش‌های مبارز جنبش، بیش از ۸ اعتصاب عمومی نامحدود ترتیب دادند.

در سال‌های قبل از شورش دانشجویی، جنبش دانشجویی ۳ تشکیلات مستقل: 1- "فدراسیون دانشجویان کالج‌ها"، 2- "فدراسیون دانشجویان دانشگاه‌ها" 3- "انجمن برای همبستگی صنفی دانشجویان" را تاسیس و راه اندازی کرد.

1- "فدراسیون دانشجویان کالج‌ها" و "فدراسیون دانشجویان دانشگاه‌ها" هر دو فدراسیون، نماینده گرایش اول بودند، صلح جو و مماشات‌طلب، عاقبت‌جو. این فدراسیون‌ها اصلاً، در عکس‌العمل و برای مقابله با سازمان‌های مبارزتر ایجاد شدند. منطق آنها مذاکره بود نه مبارزه. آنها رفتاری فرصت طلبانه همراه با چاشنی بوروکراتیک را از خود بروز می‌دادند. تقریباً در اکثر موارد، خیلی به "حزب کبکی" و قدرت حاکمه نزدیک و در مواقعی چسبیده بودند.

2- "انجمن برای همبستگی صنفی دانشجویان" (ASSÉ, Association pour une Solidarité Syndicale Étudiante) در سال ۲۰۰۱ ایجاد شد. در مبارزه با OMC (Organisation Mondiale du Commerce) و ZLEA (Zone de Libre Échange des Amériques) قراردادهای دولتی سیستم جهانی شدن و آزادی بازار شکل گرفت. این نهاد، بخش مبارز جنبش را تشکیل می‌داد.

این نهادها همیشه با هم مشکل داشته‌اند. در سال ۲۰۱۲، به دلیل قدرت فراگیر ASSÉ، مجبور به همکاری طولانی در مبارزه شدند، ولی برای نمونه در اعتصاب سال ۲۰۰۵، "فدراسیون دانشجویان کالج‌ها" و "فدراسیون دانشجویان دانشگاه‌ها" در مقابل دولت و اسپرگاری کرده و این جنبش را به عقب نشینی واداشتند.

قابل ذکر است که ASSÉ خود را "سندیکای دانشجویی" معرفی می‌کند. این به خاطر نزدیکی با منشور ۱۹۴۶ گرنوبل است، در این منشور "دانشجو یک نوع کارگر جوان" تعریف می‌شود. در این منشور دانشجو نه تنها اقلیت برجسته نیست، بلکه مشتری نبوده و فرد بی حق و حقوقی نیست که استاد هر طور که خواست وی را استعمار کند. در حقیقت دانشجو یک کارگر فکریست. بر اساس این تعریف ASSÉ بر سه محور، موجودیت پیدا کرد:

* آموزش رایگان با کیفیت خوب و سکولار

* پیشرفت دموکراسی در نهادهای آموزشی، با دیدگاه خود مدیریتی

* همبستگی صنفی بین‌المللی و فمینیستی

بخاطر اینکه ASSÉ به توانایی مخصوص خود برای بسیج کردن نیرو آگاهی داشت (توانایی به خاطر حضور چند هزار نفر در هر کدام از دانشگاهها و کالج‌ها)، خودش را محدود به خواسته‌های صنفی دانشجویی نمی‌کرد. بلکه سعی می‌کرد نقش فعالی در مبارزات عمومی مدنی و مردمی داشته باشد: اعتصاب در زمان کنفرانس سران کشورهای آمریکا یا جهان در سال ۲۰۰۱ (ZLEA) علیه جنگ عراق (۲۰۰۳)، مونته بلو در سال ۲۰۰۶، علیه اجلاس (G20) تورنتو سال ۲۰۱۰ یا ضد ریاضت کشی اقتصادی در ۲۰۱۵.

سازماندهی و تصمیمگیری در "انجمن برای همبستگی صنفی دانشجویان" (ASSÉ) به شکل «دموکراسی مستقیم» یا دموکراسی بیواسطه انجام می‌گیرد. هر انجمنی (در هر دانشکده بی) مجمع عمومی خود را به صورت کاملاً مستقل برگزار کرده و اختیار تام به اعضای مجمع داده و به شیوه مخصوص خود تصمیم‌گیری می‌کرد: رییس نداشت بلکه سخنگو انتخاب می‌کرد، وظیفه و اهداف در هر انجمن به صورت مستقل تعیین شده و مذاکره را در هر مرحله پیش می‌برده و اعضای انجمن تصمیم‌گیری نهایی را تصویب و به مرحله اجرا در می‌آوردند. برای مثال، در اعتصاب ۲۰۱۲، بر خلاف دو رئیس فدراسیون‌های دانشجویی، سخنگوی "انجمن برای همبستگی صنفی دانشجویان" گابریل ندو دوبوا (Gabriel Nadeau-Dubois) نمی‌توانست به تنهایی - یا مثلاً با یک هیأت اجرایی، یا یک تیم مذاکره‌کننده - در باره پیشنهاد دولت تصمیم بگیرد. در هر مرحله، پیشنهادات دولت که از دل مذاکرات بیرون می‌آمد، باید به تمام انجمنهای عضو اطلاع داده میشد و بعد از مشاوره در مجمع عمومی بحث و رای گیری میشد. نتیجه این رای‌گیریها، با اکثریت ساده یا دوسوم آرا، تصمیم نهایی را برای تیم مذاکره‌کننده تعیین می‌کرد.

ریشه‌های اعتصاب ۲۰۱۲ یا جنبش "بهار درخت افرا" (Printemps Érablé)

با این متد دموکراتیک بود که "انجمن برای همبستگی صنفی دانشجویان" (ASSÉ) توانست بعد از سه سال کار فشرده و توضیحی، یک اعتصاب دانشجویی بی سابقه‌ای را برپا کرده و آن را به یک جنبش عمومی تبدیل کند.

از همان سال شروع بحران مالی در ۲۰۰۹، که به محافظه کاران این بهانه را داد تا دوباره صحبت از افزایش شهریه کالج‌ها و دانشگاه‌ها بکنند، ASSÉ کمپین‌های سراسری ترتیب داد که نشان دهد با چه وسیله مالی می‌شود آموزش عالی رایگان برای همگان را فراهم کرد (مالیات اضافی بر درآمد بانک‌ها، افزایش کنترل منابع مدنی، جلوگیری از فرار مالیاتی و غیره). وقتی دولت لیبرال، در بودجه مارس ۲۰۱۰ به خدمات عمومی حمله اولش را شروع کرد، دانشجویان از پا ننشستند، ۲ سال تمام، فعالیت‌های گسترده‌ای (مثل کنفرانس، کارزار و اعتصابهای موضعی) در سرتاسر کبک ترتیب داده شد. هدف دانشجویان این بود که به شکل مرحله ای، فشار را بر روی دولت زیاد کنند.

رسمًا، اعتصاب دانشجویان برای جلوگیری از افزایش شهریه بود. ولی بخش‌های فعال ASSÉ مبارزه را فراتر از این می‌دانستند. در مجمع عمومی‌ها، از اینکه شهریه چه قدر باید باشد، صحبتی نبود. صحبت در باره هدف نئولیبرالیسم، خصوصی سازی سرویس‌های اجتماعی، ضرورت مبارزه با فقر و در باره سابقه و دستاوردهای مبارزات گذشته بحث می‌شد. در این جلسات، حول گزارش‌های یک طرفه یا وارونه و مغرضانه وسایل ارتباط جمعی شامل تلویزیون و روزنامه‌ها، بحث میشد. دیدگاه محدودشان، اینکه به چه راحتی به دام تبلیغات بخش خصوصی افتاده اند، یا کاملاً جذب تبلیغات دروغ در مورد یکی، دو تا شیشه شکسته! شدند (اشاره به شکستن شیشه در چند مورد در زمان تظاهرات‌های مختلف میباشد).

در دهه‌ها آرایش مجمع عمومی که هر کدام از دانشجویان (چه کالج، چه دانشگاه) شرکت میکردند، بحث‌هایی میشد خیلی اساسی تر و مهم تر، از آنچه در پارلمان بحث میشود. اگر چه نظریات زیادی در باره تاکتیک‌ها و راه مبارزه با دولت وجود داشت، ولی اکثریت خیلی زیادی به این نتیجه رسیده بودند که سیاست‌های اقتصادی دست راستی، کنترل قدرتهای مالی (Finance) در تصمیمات دولت، عدم رسیدگی به محیط زیست، به بیکاری، به گسترش فقر – نشانه‌هایی از بی مسئولیتی و خودخواهی بی حد و حصر طبقه اقتصادی حاکم است، که همه ضرورت مبارزه دانشجویان، و مسئولیت آنها را بیشتر می‌کند.

به همین رو، تبلیغات دولت شعاری بیش نبود و وزیران فاسد دولت، که دانشجویان را به خود خواهی، لوس بودن یا بی مسئولیتی متهم میکردند، به نظر دانشجویان بسیار خنده آور میامد. دولت ادعا میکرد قضیه اینست که دانشجویها سهم خودشان را باید بپردازند. سهم دانشجو هم به عقیده آنها – که دید ابزاری و پولی به تحصیلات و دانش دارند – این بود که شهریه بیشتری بپردازند.

ASSÉ می‌گفت، وظیفه و سهم دانشجو در تحصیلش، درس خواندن، کسب دانش و آگاهیست. سهم محصل، وقتی کار پیدا کرد، پرداخت مالیات عادلانه برای استفاده از این امکانات عمومی است.

با این تحلیل، و با آن کار توضیحی و بسیج سه سال، ASSÉ همزونی جنبش دانشجویی را به دست گرفته بود و درب اتحاد جنبش را هم باز کرد: ایجاد یک ائتلاف وسیع به نام (CLASSE, Coalition Large de l'ASSÉ) که امکان می‌داد هر انجمن دانشجویی حتی اگر عضو ASSÉ نبوده، ولی برای دوره اعتصاب به این جنبش همبستگی گسترده بپیوندد.

قبل از شروع اعتصاب عمومی نامحدود، باید دانشجویان مطمئن می‌شدند که نیرو به اندازه کافی جمع می‌شود. برای اطمینان بخشیدن به دانشجویان در زمان رای دادن، که فکر نکنند اگر به اعتصاب رأی مثبت بدهند، ممکن است تنها بمانند، قرار شد، شرط

دست زدن به اعتصاب این باشد که حداقل ۲۰ هزار دانشجوی رأی مثبت دهند، و حداقل ۷ انجمن دانشجویی از ۳ دانشگاه یا کالج مختلف شرکت کنند. این کف انتظار دانشجویان بود و به راحتی، در ۱۴ فوریه این رقم به دست آمد. یک هفته بعد، تعداد اعتصابیون به ۱۳۲۰۰۰ نفر رسید. ۶ هفته بعد، اعتصاب رأی مثبت ۱۹۹ هزار دانشجوی را به دست آورده بود.

ادامه این داستان، جریان، تظاهرات‌های بزرگ و کوچک، روزانه یا شبانه، قانونی و غیر قانونی، بود که در تاریخ کبک بیسابقه بود. جنبش کبک چیزی شبیه جنبش «بهار عرب» در تونس و مصر شده بود، تا جایی که بعضی‌ها اسمش را گذاشتند "بهار درختان افرا". در تظاهرات ۲۲ مارس نزدیک به ۲۵۰ هزار نفر شرکت داشتند. بعد از اینکه پارلمان دولت لیبرال، قانون مخصوص سرکوب تظاهرات را تصویب کرد، هر شب به مدت بیش از دو ماه تظاهرات شبانه برپا شد. ساعت‌ها می‌توان راجع به تک‌تک جریان‌هایی که هر روز شدت می‌گرفتند، صحبت کرد. مرحله حساس مذاکرات با دولت، شدت تبلیغات یکطرفه روزنامه‌ها، کوشش "حزب کبکی" برای بهره‌برداری فرصت طلبانه از جنبش، در صورتی که خود هدفی جز بالا بردن شهریه دانشگاه نداشت.

دولت لیبرال هفت سال بود کوشش می‌کرد شهریه آموزش عالی را به طور قابل توجه بالا ببرد ولی در این هدف شکست خورد. دولت فکر می‌کرد با شکاف در افکار عمومی و ترساندن آنها از جنبش رادیکال دانشجویان، بتواند انتخابات بعدی را ببرد ولی حاکمیت حتی در این هدف هم نیز شکست خورد.

با پایان اعتصابات درست قبل از انتخابات، بسیاری از فعالین جنبش فکر می‌کردند افتادن در دام انتخابات پارلمانی، به معنی شکست جنبش است. پیروزی "حزب کبکی"، به طور حتم، پیروزی جنبش محسوب نمی‌شد. به هر ترتیب، مهم این است، که با وجود این سوالات، اعتصاب سال ۲۰۱۲ درس آموزی بسیار عمیقی برای همه دانشجویان به همراه داشت. هزاران دانشجو و دیگر افراد شرکت کننده، به آگاهی‌های جدیدی رسیدند و تجربه مبارزه و استواری را آموختند. بعضی موضوعات که قبلاً جایی در بحث عمومی نداشت، دیگر کاملاً جا افتاده است، مثل آموزش عالی مجانی و اعتصاب عمومی. هم اکنون، صدها تن از فعالین جنبش سال ۲۰۱۲، که در بسیاری از سازمان‌های سندیکایی، سیاسی و اجتماعی، وارد شده‌اند، این سوژه‌ها را مطرح می‌کنند.

مبارزه‌ای که جلوی چشم ما در مقابل سیاست‌های ریاضت اقتصادی شکل گرفت، نتیجه مستقیم تاثیر باز شدن فضای بحث "اعتصاب عمومی" است که قبل از سال ۲۰۱۲ غیر قابل تصور بود. این بذره‌های همبستگی، مقاومت و پایداری سال ۲۰۱۲ است که جنبش امروز و فردای کبک را نیرو و نشاط می‌دهد.